

مروری جامع بر سرمایه اجتماعی

مریم طالع زاری^۱

پرویز سعیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

چکیده

وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ‌گو و کارآمد فراهم می‌سازند؛ اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. وجوه گوناگون پیوندها، همکاری، اعتماد متقابل و ارتباطات میان اعضای یک شبکه موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. علاوه بر این سرمایه اجتماعی برای برنامه‌های توسعه توفیق‌آفرین است. وجود سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و اقتصادی و فیزیکی است و برعکس نبود سرمایه اجتماعی، اثربخشی سایر سرمایه‌ها را در دستیابی به توسعه منتفی می‌کند و بدون سرمایه اجتماعی، طی کردن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و مشکل‌می‌شود. پذیرش این مفهوم به عنوان یک نوع سرمایه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها می‌تواند شناخت جدیدی را از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و دولتمردان را در هدایت بهتر جامعه به سمت توسعه یاری رساند. نظر به اهمیت موضوع در این مقاله به زمینه پیدایش و مفهوم «سرمایه اجتماعی» و نظریه‌های مرتبط با آن، ابعاد و مؤلفه‌های آن و همچنین جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی، نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی، کارکردهای مثبت و منفی آن، وضعیت سرمایه اجتماعی و دلایل عدم رشد آن مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، انسجام اجتماعی، سرمایه انسانی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران (Mt.talezari@yahoo.com)

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران

۱- مقدمه

طی چند دهه اخیر در مباحث توسعه علاوه بر سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و اقتصادی که در دیدگاه‌های سنتی توسعه مطرح بود، به سرمایه اجتماعی توجه شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی فرار رشته‌ای بین علوم انسانی است که به نقش نیروهای اجتماعی در توسعه جوامع می‌پردازد و اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه‌یافته به این مفهوم توجه دارند (پوتنام^۱، ۱۹۹۳). این رویکرد، نشان‌دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌باشد. از سوی دیگر مطالعه روند رشد و توسعه کشورها بیانگر این واقعیت است که سایر سرمایه‌ها در صورت بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی سبب رشد و توسعه یک جامعه می‌شوند. زمانی که سرمایه اجتماعی وجود دارد، کنش‌های اجتماعی تسهیل می‌شود و هزینه تعاملات کاهش می‌یابد. ثبات و انسجام اجتماعی به همراه همکاری و مشارکت اجتماعی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند، شروط لازم برای توسعه می‌باشند لذا به دلیل اهمیت روزافزون این مفهوم در حوزه برنامه‌ریزی توسعه در این نوشته به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و گسترش سرمایه اجتماعی می‌پردازیم.

۲- مفهوم سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی طور غیرمستقیم در نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک چون دو توکویل^۲ (۱۸۳۱) و سیس شصت سال بعد در کار جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم^۳ (۱۹۳۳) مطرح شده است. این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. اینان کیفیت روابط انسانی و پیوستگی آن با ارزش‌های مشترک را بررسی می‌کردند. البته بررسی این جنبه از حیات اجتماعی توسط جامعه‌شناسان تعجب‌آور نیست زیرا جامعه‌شناسی رشته‌ای علمی است که درصد تبیین ریشه‌ها و ماهیت نظم اجتماعی است. ولی جامعه‌شناسان کلاسیک مشخصاً به مفهوم سرمایه اجتماعی نپرداخته‌اند.

سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های «هانیفان»^۴ سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا به کار رفت: «این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، هم‌فکری و همدردی و دادوستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند در برمی‌گیرد». وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کند. بعد از او محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این خصوص ارائه داده‌اند. افرادی چون؛ جین جاکوب^۵ استاد مسائل

1. putnam

2. de Tocqueville

3. Durkheim

4. Hanifan

5. Jane Jacob

شهری، گلن لوری^۱ اقتصاددان، ایوان لایت^۲ جامعه‌شناس، فوکویاما^۳، کلمن^۴ جامعه‌شناس، پوتنام^۵ دانشمند علوم سیاسی، پیر بوردیو^۶ جامعه‌شناس فرانسوی و... اما از میان آن‌ها جیمز کلمن اولین کسی است که به صورت منسجم و قوی به بحث سرمایه اجتماعی می‌پردازد. او با مقاله «سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، اثر مهمی را در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه پدید آورد. بعد از او رابرت پاتنام نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب «بنای دموکراسی کارآمد؛ سنت‌های مدنی» و مقاله بولینگ یک نفره، کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا در سال ۱۹۹۵ باعث توجه بیشتر عموم به ایده سرمایه اجتماعی و چگونگی افزایش و کاهش و بازسازی آن در آمریکا شد (ازکیا، ۱۳۹۲).

فوکویاما در شرح این تاریخچه می‌نویسد: جین جاکوب در اثر خود: مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

گلن لوری اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه‌شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کاربرد. در دهه ۱۹۸۰، این اصطلاح توسط جیمز کلمن جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استقبال قرار گرفت و رابرت پاتنام دانشمند علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور را در مورد سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالات متحده برانگیخت (فوکویاما، ۱۳۷۹).

سرمایه اجتماعی از تحولات فرهنگی در علوم اجتماعی هم‌سود جسته است. همگام با توجه فزاینده‌ای که به وجوه فرهنگی رفتار اجتماعی شده است، رشد قابل توجهی هم در گرایش به آنچه سطح خرد رفتار و تجربه فردی نامیده می‌شود صورت گرفته است. تعداد قابل توجهی از علمای علوم اجتماعی برجسته نگاهی دقیق به اعتماد و صمیمیت به عنوان دو نمونه نزدیک به مفهوم سرمایه اجتماعی داشته‌اند (مک و بک - گرن شیم ۱۹۹۴، گیدنز ۱۹۹۱، جامیسون ۱۹۹۸، لومان ۱۹۹۸، میسزیال ۱۹۹۶، زتومکا ۱۹۹۲) با اینکه بیشتر این نویسندگان مطالب کمی در مورد سرمایه اجتماعی به معنای امروزی آن گفته‌اند (به استثنای میسز تال و زتومکا) اما دغدغه‌های آن‌ها نشان می‌دهد که توجهی به تعامل روزمره و کیفیت روابط بین فردی

1. Gallen Lurry
2. Ivan Light
3. Fukuyama
4. Coleman
5. Robert Putnam
6. Pierre Bourdieu
7. Jine Jakoob

داشته‌اند. این رویه عمومی دغدغه روشنفکرانه، پیش‌زمینه‌ای را برای افزایش توجه عالمان اجتماعی به مقوله سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد (فیلد، ۱۳۸۸).

در دهه‌های اخیر سرمایه اجتماعی مورد توجه اقتصاددانان نیز هست:

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تمایل به بسط این دیدگاه داشته است و در گزارش سال ۲۰۰۱ خود در رابطه با محیط زیست ملت‌ها، این سازمان، سرمایه انسانی و اجتماعی را دو مکمل قدرتمند خطاب کرد که هرکدام دیگری را تغذیه می‌کنند. بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (توسلی، ۱۳۹۲).

همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی‌شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راه‌حلی اجرashدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (الوانی و شیروانی، ۱۳۹۲).

به لحاظ تاریخی نقش انواع سرمایه‌ها در توسعه به ترتیب زیر مطرح شد:

۱- سرمایه مالی مانند پول اوراق بهادار، اوراق قرضه و...

۲- سرمایه فیزیکی مانند تأسیسات و زیربناها، سد و اتوبان و...

۳- سرمایه انسانی اشاره دارد به وجود مجموعه‌ای از متغیرها در افراد مانند میزان تحصیلات، آموزش‌های شغلی، توانایی‌های کلامی و ارتباطی، اعتماد به نفس و... یعنی مجموع دانش، مهارت و تجارب فردی این مفهوم به معنی سرمایه‌گذاری برای پرورش انسان‌های فرهیخته، سالم و توانمند است و شامل آموزش‌های غیررسمی و پیش از دبستان در محیط اطراف فرد، چون خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان و سپس آموزش‌های رسمی دوران تحصیل و آموزش‌های لازم جهت ورود به بازار کار می‌باشد.

مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان

سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر جایگاه خود را پیدا کرده است نظر به جدید و غیرملموس بودن این مفهوم در این نوشته با تاکید بر آراء و نتایج تحقیقات چهار اندیشمند به بررسی آن می‌پردازیم.

دیدگاه پیر بوردیو^۱ در خصوص سرمایه اجتماعی

بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی بیشتر به بررسی دوام و پایداری طبقه اجتماعی و سایر اشکال مستحکم نابرابری گرایش داشت. بوردیو درگیر ایده‌های بود که عمیقاً از مفاهیم مارکسیستی تأثیر پذیرفته بودند. وی سرمایه اقتصادی را ریشه انواع سرمایه‌ها می‌داندست و علاقه‌مند به درک شیوه‌های ترکیب این سرمایه با دیگر اشکال سرمایه و ایجاد و تولید نابرابری بود (فیلد، ۱۳۸۸).

او در ابتدا استعاره «سرمایه فرهنگی» را مطرح می‌کند و آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به مفهوم سرمایه اجتماعی توجه می‌کند. او با استفاده از استعاره «سرمایه فرهنگی» به این موضوع اشاره می‌کند که ذائقه فرهنگی موجب منزلت برتر برخی از گروه‌ها نسبت به دیگر گروه‌ها می‌شود و در نوشته‌های اولیه خود در خصوص «سرمایه اجتماعی» بر روی این مفهوم به عنوان یک جزء فرعی یا حتی یکی از ابعاد «سرمایه فرهنگی» متمرکز می‌شود (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷).

بوردیو سرمایه را به سه نوع تقسیم آن‌ها را به شرح زیر توصیف می‌نماید:

۱- سرمایه اقتصادی که قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت نهاده شود.

۲- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی شکل گرفته از طریق شرایط خانوادگی و آموزش مدرسه‌ای، می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را که قسمتی از استراتژی فرد برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی است جبران کند.

درواقع به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به صورت کیفیت آموزشی نمود پیدا می‌کند، مانند میراث مادی قابل انتقال است و مانند آن قابل سرمایه گذاری است به علاوه گروه‌ها قادرند تا از نمادهای فرهنگی به عنوان نشانه‌های تمایز استفاده کنند که از طریق آن‌هم موقعیت خود را در ساختار اجتماعی نشان می‌دهند و هم آن را می‌سازند.

یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی است. به تعبیر پیر بوردیو وقتی از سرمایه فرهنگی سخن می‌گوییم مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌های شناختی را مدنظر قرار می‌دهیم که در شکل کالاها و ابزارهای فرهنگی متجلی می‌شود (توسلی، ۱۳۹۲). در این معنا که بی‌شباهت به مفهوم سرمایه انسانی در نزد کلمن نیست، سرمایه فرهنگی تمام آن چیزی است که امروزه ما به عنوان کالاها یا فرهنگی می‌شناسیم. این کالاها صورتی از سرمایه فرهنگی هستند که بر روابط اجتماعی و ساخت شبکه پویا و کارآمد اجتماعی تأثیر می‌گذارند. صورت دیگر سرمایه فرهنگی خود را بیشتر در عادات و

نگرش افراد جامعه نمایان می‌سازد. در این معنا سرمایه فرهنگی، تمایلات، عادات و نگرش‌هایی را در برمی‌گیرد که استعداد استفاده از شرایط و توانایی‌های بالقوه را به افراد می‌دهد تا بر وجوه شناختی و معرفتی خود بیفزایند. تمام مهارت‌ها و آمادگی‌هایی را که می‌توان در محیط خانه و مدرسه به کودکان آموخت، نظیر احساس مفید بودن، توانایی ابراز وجود و اظهارنظر و مهارت‌های دیگر، از این دسته‌اند. به این ترتیب درمی‌یابیم که سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا پتانسیل‌ها و استعدادهایی که پراکنده و به صورت فردی در اختیار افراد جامعه است یعنی همان سرمایه انسانی و فرهنگی به شکل جمعی برای رفع مشکلات و معضلات موجود در مناسبات بین فردی به کار گرفت.

۳- سرمایه اجتماعی: مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌ویش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (صالحی، ۱۳۹۴).

و در این تعریف بر ضرورت تراکم و دوام پیوندها (ارتباطات) تأکید می‌ورزد و بیان می‌دارد که:

سرمایه اجتماعی انبوهی از منابع بالفعل یا بالقوه‌ای را که به مالکیت یک شبکه‌ای دوام‌دار متصل‌اند نشان می‌دهد.

همچنین بیان می‌کند که ارزش پیوندهای یک فرد (حجم سرمایه اجتماعی متعلق به یک عامل) به تعداد اتصالاتی که می‌تواند آن‌ها را بسیج نماید و به حجم سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) متعلق به هریک از اتصالات، بستگی دارد. بورديو تعامل بین اتصالات و سرمایه پولی و فرهنگی را با این مثال توضیح می‌دهد: اعضای حرفه‌هایی از قبیل وکلا یا پزشک آن‌که از سرمایه اجتماعی‌شان_ مشخصا سرمایه اتصالات اجتماعی، شأن و احترام - برای کسب اعتماد یک گروه، مشتری از طبقه بالای جامعه و یا حتی برای به دست آوردن یک شغل سیاسی بهره می‌برند.

درواقع از اتصالات و سرمایه پولی و فرهنگی خود سود جسته‌اند و معتقد است آنانی که فقط به تحصیلات خود تکیه می‌کنند، آسیب‌پذیرترین افراد در روند سقوط اعتبار هستند، نه فقط به دلیل اینکه دارای هیچ اتصالاتی نیستند بلکه به این دلیل که سرمایه فرهنگی ضعیفشان دانش آن‌ها را درباره تلاطم‌های بازار اعتبارات کم می‌کند.

دیدگاه بورديو در خصوص انواع سرمایه

۱- سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی باید به عنوان دارایی در نظر گرفته شوند و این‌ها نشان‌دهنده تولید کار انباشت شده می‌باشند.

۲- انواع سرمایه‌های بیان شده همیشه باهم قابل جایگزینی نیستند، اما ترکیب آن‌ها می‌تواند سرمایه جدیدی ایجاد کند.

۳- سرمایه اجتماعی تشریح اصل «دارایی‌های اجتماعی» است چرا که افراد مختلف، بازگشتی کاملاً نامساوی از سرمایه‌ای نسبتاً مساوی دارند (اقتصادی یا فرهنگی) که این مطلب به این بستگی دارد که این افراد تا چه اندازه قادر به بسیج کردن سرمایه یک گروه باشند (خانواده، همشاگردی‌های قدیمی، مدارس، نخبگان، کلوپ‌های ویژه، اشرافیت و غیره).

۴- سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه است و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ابزاری هستند برای رسیدن به سرمایه اقتصادی.

۵- سرمایه اجتماعی ویژگی انحصاری نخبگان هست که برای تأمین موقعیت نسبی‌شان طراحی شده است لذا نظریه وی ریشه در مدلی نسبتاً ایستا از سلسله‌مراتب اجتماعی است.

۶- سرمایه اجتماعی باعث بازتولید نابرابری می‌گردد؛ اما تا حدی مستقل از سرمایه اقتصادی و فرهنگی عمل می‌کند. ضمن اینکه به هیچ عنوان از آن‌ها جداشدنی نیست.

۷- تنها زمانی در داخل شبکه همبستگی به وجود می‌آید که عضویت باعث ایجاد سود مادی و نمادی شود.

۸- بر نقش سرمایه اجتماعی خویشاوند محور بیش از حد تأکید می‌ورزد.

در نهایت بورديو معتقد بود که فهم دنیای اجتماعی بدون فهم نقش اشکال مختلف سرمایه که در نظریه اقتصادی مطرح شده غیرممکن است (علیخانی، ۱۳۹۱).

درمجموع نظریه وی به طور دقیق بر شیوه‌های به کارگیری اتصالات (ارتباطات میان اعضای یک گروه) توسط برخی گروه‌ها برای کسب سود بیشتر، تمرکز دارد و تأکید می‌ورزد که نابرابری باید از طریق تولید و بازتولید تشریح شود و اینجا است که سرمایه اجتماعی را به شکل زیر تعریف می‌کند:

سرمایه‌ای از روابط اجتماعی که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند یعنی سرمایه شرافت و حرمت که غالباً اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، کاملاً ضروری بوده و ممکن است به صورت نوعی پول رایج ارائه شود از جمله در یک حرفه سیاسی.

می‌توان نتیجه گرفت: به نظر پیر بورديو سرمایه اجتماعی عبارت است از موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. بورديو سوءاستفاده از سرمایه اجتماعی را امکان‌پذیر می‌داند به ویژه از طرف کسانی که به قول او قادر به نمایندگی سرمایه اجتماعی نهادینه شده هستند، مانند بزرگان فامیل و اشرافی که از ارتباطات نهادینه شده اشرافیت بهره می‌برند. به علاوه بورديو معتقد

است که سرمایه اجتماعی، یکی از دارایی‌های ثروتمندان و وسیله‌ای برای حفظ برتری آن‌ها است در نظریه وی جایی برای امکان بهره‌برداری دیگران - یعنی افراد یا گروه‌های کم‌بضاعت‌تر- از این پیوندها اجتماعی، وجود ندارد. بورديو سرمایه اجتماعی را در خدمت افزایش ثروت، سرمایه‌داران و کاهش دارایی ضعیفان می‌داند زیرا او پدیده‌های اجتماعی را با نگاه مارکسیستی تحلیل می‌کند (فیضی و فقیهی، ۱۳۹۵).

دیدگاه جیمز کلمن^۱ در خصوص سرمایه اجتماعی

کلمن جامعه‌شناس آمریکایی است و تعریف او از سرمایه اجتماعی و اشکال آن بر همین پایه استوار است. کلمن نظریه انتخاب منطقی را قبول دارد و به‌درستی مهم‌ترین شخصی است که باعث رشد این نظریه در جامعه‌شناسی معاصر شد (نظریه انتخاب منطقی باور دارد که تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد) بنابراین از نگاه کلمن تعامل اجتماعی به‌عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود و سرمایه اجتماعی برای او وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است برای کسب سود است. نتیجه اینکه او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری، روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی می‌داند (نصر اصفهانی، ۱۳۹۰).

جیمز کلمن جامعه‌شناس برجسته آمریکایی است که تأثیر قابل‌توجهی بر مطالعه آموزش و پرورش داشته است، نسبت به بورديو تأثیر گسترده‌تری را بر مفهوم سرمایه اجتماعی نهاده است. کلمن با مطالعات خود نشان داد که سرمایه اجتماعی صرفاً به قدرتمندان محدود نبوده و برای فقیران و اجتماعات حاشیه‌نشین هم مفید است. یکی از علایق اصلی او ترکیب جامعه‌شناسی با جریان‌های عمده اقتصادی است و به همین دلیل او مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌عنوان پلی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی به کار می‌گیرد (همان منبع).

سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست؛ اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد (کلمن، ۱۹۹۰).

به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه زیادتری ممکن بود به دست آید، تسهیل می‌کند.

اشکال سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن

۱- تعهدات و انتظارات:

مهم‌ترین ویژگی سرمایه اجتماعی از نظر کلمن نظام تعهدات و انتظارات است

۲- ظرفیت بالقوه اطلاعات:

به دست آوردن اطلاعات پرهزینه است (هزینه فقط مالی نیست بلکه حتی صرف وقت و دقت را هزینه محسوب می‌کنیم) انسان‌ها با بهره‌گیری از شبکه روابط اجتماعی از اطلاعات اعضای دیگر شبکه استفاده کرده و به این طریق در صرف هزینه صرفه‌جویی می‌کنند.

۳- هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر:

هنجارها اشکال متفاوت دارند و تعدادی از آن‌ها برای توسعه بسیار ارزشمند هستند به‌ویژه آن‌ها که دستوری هستند و مثلاً فرد را تشویق می‌کنند که باید منافع شخصی را رها کند و به سود جمع عمل کند. هنجارهای ازاین‌گونه که با حمایت اجتماعی، پایگاه، احترام و پاداش‌های دیگر تقویت می‌شود سرمایه اجتماعی است که ملت‌های جدید را می‌سازد.

۴- روابط اقتدار:

اگر کنشگران متعدد حقوق کنترل کنش‌ها را به فردی انتقال دهند این نوع سرمایه اجتماعی که منجر به رهبری فرهمند شخصی در جامعه می‌انجامد، ظهور می‌کند. این دقیقاً تمایل به ایجاد سرمایه اجتماعی لازم برای حل مسائل مشترک است که افراد را در شرایط معینی وادار می‌کند که به رهبری فرهمند اقتدار واگذار کنند.

۵- سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر:

سازمان‌های داوطلب برای پیشبرد مقاصد کسانی که آن‌ها را بنیاد می‌نهند به وجود می‌آیند و در ادامه حیات خود (علاوه بر برآوردن هدف اولیه شکل‌گیری) قابل انطباق برای مقاصد دیگر نیز هستند و بنابراین سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند که برای استفاده در دسترس است. کلمن در پایان نتیجه می‌گیرد که اشکال سرمایه اجتماعی روابط اقتدار و اعتماد و هنجارها هستند و سرمایه اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌های است که برای مقاصد دیگر صورت می‌گیرد (کلمن، ۱۳۷۷).

مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است. از نظر وی سرمایه اجتماعی یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک هست و در مقاله‌ای سرمایه اجتماعی را (فیلد^۱، ۲۰۰۳).

دیدگاه پوتنام^۲ در خصوص سرمایه اجتماعی.

پاتنام به همراه دو همکارش از سال ۱۹۷۰ سلسله پژوهش‌های را در باب ایتالیای پس از اجرای قانون اصلاحات انجام داد. پژوهش‌های پاتنام و همکارانش، بینش تازه‌ای را در تئوری سرمایه اجتماعی ایجاد کرد. موضوع این پژوهش بررسی عملکرد این نهادهای حکومتی در مناطق مختلف بر اساس ۱۲ شاخص حاکی از اختلاف شدید شمال و جنوب ایتالیا بود. پوتنام پس از مدتی مطالعه این سؤال را مطرح کرد که باوجود سیاست‌های مشخص و یکسان دولت مرکزی چرا نهادهای دموکراتیک در شمال ایتالیا کارآمدتر از جنوب عمل می‌کنند به‌علاوه چه عاملی اختلاف رشد اقتصادی شمال و جنوب ایتالیا را توضیح می‌دهد. در شمال ایتالیا نهادهای جمعی بهتر کار می‌کردند، مردم بیشتر در انتخابات شرکت می‌کردند و عملکرد سازمان‌های اداری مطلوب‌تر بود در حالی که در جنوب ادارات پاسخگوی شهروندان نبودند و شهروندان نیز به حکومت منطقه‌ای اعتمادی نداشتند (پوتنام، ۱۹۹۵).

نتایج تحقیقات و بررسی‌های پاتنام به طرح تعاریفی از مفهوم سرمایه اجتماعی و وجوه و اشکال آن انجامید که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است:

سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کار آیی جامعه را بهبود بخشد. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیرقابل دسترس خواهند بود (پوتنام، ۱۹۹۵).

به تعبیر پاتنام همکاری و تعاون داوطلبانه درجایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد. درواقع این مفهوم، سرمایه اجتماعی به پیوندها، میان اعضای یک شبکه به‌عنوان منبع بالارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود.

پوتنام وجوه گوناگون سرمایه اجتماعی را تحت عناوین چگونگی شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل، اعتماد اجتماعی

مطرح می‌کند. او استدلال می‌کند که هنجارها و شبکه مشارکت مدنی:

1. Fiel

2 Putnam

- باعث تقویت رشد اقتصادی می‌شوند.

- باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می‌شوند.

- جامعه‌ای که شبکه‌های مدنی زیادی دارد و اغلب مردم از هنجارهای مدنی تبعیت می‌کنند شناسایی و مجازات «سیب خراب» اتفاقی آسان‌تر است و در مقابل عهدشکنی خطرناک‌تر و غیر و سوسه‌انگیزتر می‌باشد (همان منبع).

منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت‌کننده و خود افزایش‌دهنده هستند. دور بازتولید‌کننده فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگی‌های معرف جامعه مدنی هستند. برعکس، فقدان این ویژگی‌های در جوامع غیر مدنی نیز خصلتی خود تقویت‌کننده دارد. عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دورهای باطل تشدید می‌کنند (پوتنام، ۱۹۹۵).

به‌طور کلی او معتقد است سرمایه اجتماعی با معامله متقابل به وجود می‌آید و انگیزه معامله متقابل بهره‌گیری از کمک دیگری، یا دادن کمک به دیگری با انتظار دریافت سود در آینده شکل می‌گیرد. منظور از سود، دریافت کمک از طرف مقابل به هنگام نیاز در آینده هست. این معامله بر اساس اعتماد انجام می‌پذیرد. کسب اعتماد در شبکه‌ها به وجود می‌آید زیرا با حضور در شبکه‌ها و تعامل با یکدیگر می‌توانیم اطلاعات لازم را برای به دست آوردن اعتماد کسب کنیم.

نقطه اشتراک تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی با تعریف کلمن در این خصوص آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌های عبارت‌اند از: شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی. به‌طور خلاصه،

او بر این باور است که سرمایه اجتماعی از پیوندها شخصی همراه با مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک که با این تماس‌ها تشکیل شده است (فیلد^۱، ۲۰۰۳).

دیدگاه فوکویاما^۲ در خصوص سرمایه اجتماعی

فوکویاما نظریه‌پرداز دیگر این حوزه در تعریف این مفهوم بیشتر بر هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تکیه کرده و آن را این گونه تعریف می‌کند:

سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چراکه ممکن است ارزش ها منفی باشند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۸۵).

فوکویاما در توضیح خاستگاه سرمایه اجتماعی می نویسد:

فراهم ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجیگری مجموعه ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می پذیرد. خانواده ها، مدارس، کلیساها و انجمن های داوطلبانه، انجمن های تخصصی، فرهنگ عمومی و غیره از آن جمله است. اکثر این نهادها با اقتصاد بازار کاملاً بیگانه هستند. بودجه برخی از این نهادها، از قبیل مدارس را مردم با پرداخت مالیات تأمین می کنند: برخی دیگر مانند خانواده ها یا انجمن های خیریه از طریق تولیدات فرعی فعالیت های دیگر، سرمایه اجتماعی تولید می کنند، چنانچه جیمز کلمن تأکید می کند که سرمایه اجتماعی مانند بسیاری از اشکال دیگر سرمایه انسانی یک منفعت عمومی است و بنابراین، بازارهای رقابتی به طور منظم برای آن سرمایه گذاری می کنند (فوکویاما، ۱۹۹۹).

یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و

ارتباطات می گردد. بر اساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می گردند (فوکویاما، ۱۹۹۹، به نقل از الوانی و شیروانی تدبیر، ۱۴۷).

فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی متعلق به گروه ها است نه افراد و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند در صورتی معنی دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. گروهی که دارای سرمایه اجتماعی هست، ممکن است به کوچکی دو دوست باشد که با یکدیگر تبادل اطلاعات می کنند یا در پروژه ای مشترکاً همکاری می کنند یا ممکن است در مقیاس بزرگ تری تمامی یک ملت باشد. فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می کند و هدف او این است که به این سؤال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند. او ادعا می کند در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می کند مثلاً در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور شده است در حالی که در جامعه چین پیوندها موجود مانع شکل گیری سرمایه اجتماعی شده و فرصت های نوآوری را محدود ساخته است. فوکویاما معتقد است جوامع مدرن به جای

اینکه درصدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جست‌وجوی تأسیس نهادهایی چون حکومت متکی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند (فوکویاما، ۱۹۹۹ به نقل از دانشمهروراد).

سطوح سرمایه اجتماعی‌ای دیدگاه فوکویاما:

نظریه‌های سرمایه اجتماعی این مفهوم را در سه سطح بررسی کرده‌اند:

سطح فردی یا خرد: به‌طورمعمول، هر یک از افراد جامعه در شبکه یا شبکه‌هایی عضویت دارند. منافع ناشی از این عضویت می‌تواند برای فرد مفید واقع شود. فوکویاما به این سطح دقت دارد.

سطح گروهی یا میانه: روابط مبتنی بر اعتماد میان اعضای گروه موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. این سرمایه در اختیار تمامی اعضای گروه قرار دارد تا از آن برای پیشبرد امورشان استفاده کنند. کلمن و پاتنام به این سطح پرداخته‌اند.

سطح اجتماعی یا کلاً: تعداد زیاد گروه‌های داوطلبانه در جامعه و روابط افقی میان آن‌ها که مبتنی بر اعتماد است، سرمایه‌ای اجتماعی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود. فوکویاما، پاتنام و بوردیو به این سطح توجه داشته‌اند (از کیا، ۱۳۹۷).

گروه‌بندی دیدگاه‌ها

می‌توان نظریه‌های سرمایه اجتماعی را به چهار دیدگاه عمده زیر دسته‌بندی نمود:

۱- دیدگاه اجتماع‌گرایی: که سازمان‌های محلی چون کلوپ‌ها، مؤسسات و گروه‌های شهری را بستر ایجاد سرمایه اجتماعی می‌داند.

۲- دیدگاه شبکه‌ای: بر اهمیت روابط افقی و عمودی بین مردم و روابط درونی و بیرونی مؤسسات و گروه‌های اجتماعی تأکید دارد.

۳- دیدگاه نهادی: معتقد است تمرکز زندگی شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی عمدتاً نتیجه فضای سیاسی، قانونی و نهادی جامعه است.

۴- دیدگاه‌های هم‌افزایی: تلاش می‌کند که کارهای قوی برآمده از دیدگاه‌های شبکه‌ای و نهادی را باهم تلفیق نماید و تعریف بانک جهانی از سرمایه اجتماعی نیز بر همین تلاش استوار است (اکبری به نقل از شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰، ۱۹).

همچنین نظریه‌های سرمایه اجتماعی به‌قرار زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- به تعبیر بوردیو سرمایه اجتماعی به‌عنوان ویژگی فردی پتانسیل افراد برای فعالیت و مشارکت مؤثر در شبکه ارتباطات بر اساس شناخت متقابل در یک فضای اجتماعی و حفاظت از آن از طریق مبادلات نمادی و مادی است. بر این اساس سرمایه اجتماعی

دارایی‌های خوب خصوصی است که افراد آن‌ها را انباشت و از آن‌ها برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند.

۲- پاتنام: «سرمایه اجتماعی یک صفت جامعه است که کیفیت شبکه‌ها و روابط، افراد را برای همکاری و کنش جمعی قادر می‌سازند». بر این اساس، سرمایه اجتماعی بر پایه درجه بالای اعتماد بین شخصی و به همان میزان ارزشمندی اعتماد نهادهای عمومی و سیاسی است که قواعد حقوقی را ایجاد و رعایت می‌کنند و همه مبادلات را شفاف و ایمن می‌سازند.

دو مشکل در آشتی دادن این دو مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد. یکی مربوط به اقتصاددانان است که تمایل دارند عوامل مختلف در رشد اقتصادی و رفاه را شناسایی کنند و اغلب تفسیرهای پاتنام درباره سرمایه اجتماعی را ترجیح می‌دهند، درحالی‌که جامعه‌شناسان تلاش برای تبیین بازتولید نابرابری را ترجیح می‌دهند و لذا تمایل به مفهوم‌سازی بوردیو و کلمن دارند. اقتصاددانان سعی می‌کنند از متغیرهای سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی استفاده کنند درحالی‌که جامعه‌شناسان از متغیرهایی چون منزلت اجتماعی، جایگاه فرد در ساختار قدرت و عضویت در شبکه‌های غیررسمی استفاده می‌کنند.

تلاش‌هایی جهت حل مسئله دوگانگی مفهوم سرمایه اجتماعی صورت گرفته است.

در سال‌های اخیر بانک جهانی سعی نمود این دو رهیافت را باهم تلفیق نماید و شیوه و نگاه واحدی را نسبت به سرمایه اجتماعی به وجود آورد. ولکاک^۱ (۱۹۲۸) تعریف جدیدی را ارائه کرد که بر اساس اعتماد عام اجتماعی و هنجارهای اجتماعی پاتنام از یک‌سو و جنبه‌های فردی بیان شد. آنچه وی آن را دیدگاه هم‌افزایی سرمایه اجتماعی نامیده است، در جهت تلفیق این دو بعد هست (موسایی و دیگران، ۱۳۹۶).

تعاریف متعددی در خصوص سرمایه اجتماعی ارائه شده است که در (جدول شماره ۱) آمده است.

¹.volkuk

و در ادامه می‌افزایند بر اساس تعاریف فوق، صاحب‌نظران هشت عنصر مهم سرمایه اجتماعی را بدین شرح مطرح کرده‌اند:

ردیف	نویسندگان	سال	تعاریف سرمایه اجتماعی	منبع
۱	پورتس	۲۰۰۲	توانایی افراد برای منافع پایدار از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا ساختارهای اجتماعی دیگر	(پورتس، ۲۰۰۲)
۲	بلیویو، اُریلی، وید	۲۰۰۰	یک شبکه ارتباطی شخصی منحصربه‌فرد و وابستگی نهادی ممتاز	(بلیویو، اُریلی، وید، ۲۰۰۰)
۳	برهم، ران	۲۰۰۶	بافتی از ارتباطات تعاونی میان شهروندانی که به یکدیگر برای رفع مشکلات کمک می‌کند.	(برهم، ران، ۲۰۰۶)
۴	فوکویاما	۱۹۹۰	توانایی افراد برای همکاری و تعاون باهم برای اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها	(فوکویاما، ۱۹۹۰)
۵	کلمن	۲۰۰۰	سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی چیز واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که همه آن‌ها دو ویژگی مشترک دارند؛ اول، شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند؛ و دوم، کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختارند، اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کنند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن، دست‌نیافتنی خواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازند.	(کلمن، ۲۰۰۰)
۶	تاج‌بخش، ثقفی و کوهستانی نژاد	۱۳۸۵	هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به‌منظور کسب سود متقابل فراهم می‌کنند و با شیوه‌هایی همچون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیررسمی قابل‌اندازه‌گیری آند.	(تاج‌بخش، ثقفی و کوهستانی نژاد، ۱۳۸۵)
۷	کولیر	۲۰۰۴	سرمایه اجتماعی در آغاز یک دسته فرآیندهایی است که به تولید برون‌بودهایی منجر می‌شود که حاصل کنش‌های اجتماعی است؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی یک دسته کنش‌های اجتماعی است و شامل آن دست‌های است که یا خود با دوام هستند یا بر روی آن‌هایی که بادوام هستند، اثر می‌گذارند.	(کولیر، ۲۰۰۴)
۸	شریفیانی ثانی	۱۳۸۰	سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارها و روابط اجتماعی مستحکم و ریشه‌دار در ساختارهای اجتماعی جوامع که مردم را در هماهنگی کنش‌ها برای دستیابی به اهداف مطلوب خود قادر می‌سازد.	(اکبری به نقل از شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰)

- مشارکت در اجتماع محلی
- کنش گرایی در یک موقعیت اجتماعی
- احساس اعتماد و امنیت
- پیوندهای همسایگی
- پیوندهای دوستی و خانوادگی
- ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها
- بها دادن به زندگی و
- پیوندها کاری

همان‌گونه که مشاهده می‌شود هر یک از تعاریف فوق به جنبه‌ای از سرمایه اجتماعی اشاره می‌کنند ولی در همه این تعاریف از اعتماد به عنوان جزء اصلی سرمایه اجتماعی نام برده شده است. در این تعاریف، شاخص‌های روان‌شناختی (اعتماد و هنجارها) (و رفتارشناختی) شبکه‌ها باهم ترکیب شده‌اند.

اعتماد به معنای باور بر مبنای این احتمال است که دیگران کارهای به خصوصی را انجام می‌دهند یا از انجام آن پرهیز می‌کنند. مفهوم اعتماد ممکن است بر ای پیش‌نگری رفتار یک شریک با توجه به تعهدات و الزامات او و امکان پیش‌بینی رفتار او در مذاکرات و تعاملات درحالی که او ممکن است با رفتار فرصت‌طلبانه نیز مواجه باشد، بیان شود. در متون پژوهشی، اعتماد را به انواع مختلفی تفکیک می‌کنند و پژوهشگران دست کم از سه نوع متفاوت از اعتماد یاد کرده‌اند:

- اعتماد بستگان و خویشاوندان: که بیان‌کننده اعتماد افراد جامعه به افراد خانواده، نزدیکان و دوستان است؛
 - اعتماد اجتماعی میان افراد: که بیانگر اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و افراد جامعه است.
 - اعتماد نهادی: که ناظر بر احساس افراد نسبت به نهادها و یا حرفه‌های مختلف و یا حتی بخش‌های مختلف دولتی هست.
- درواقع از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که عبارت است از اعتماد، شبکه‌ها، انسجام و مشارکت، اعتماد مهم‌ترین مؤلفه یا شاخص است (موسایی و دیگران، ۱۳۹۶).

جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم‌پذیر و انتقال‌پذیر که در نظریه اقتصادی نوکلاسیک بحث شده است، متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها که لوری (۱۹۸۷) درباره آن بحث کرده، انتقال ناپذیری عملی آن است. اگرچه این سرمایه، منبعی است که ارزش استفاده دارد، به آسانی مبادله نمی‌شود. صفت کیفی ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار گرفته این است که سرمایه اجتماعی، دارایی شخصی هیچ‌یک از افرادی نیست که از آن سود می‌برد. تفاوت دیگر که از جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی ناشی می‌شود، می‌تواند با مقایسه آن با سرمایه فیزیکی مشاهده گردد. سرمایه فیزیکی معمولاً کالایی خصوصی است و حقوق مالکیت به شخصی که در سرمایه فیزیکی سرمایه‌گذاری کند امکان می‌دهد، منفعتی را که این سرمایه تولید می‌کند به دست آورد؛ بنابراین، انگیزه سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی کاهش نمی‌یابد؛ آن‌گونه که اقتصاددان ممکن است بگوید، یک سرمایه‌گذاری نیمه بهینه^۱ در سرمایه فیزیکی وجود ندارد، زیرا کسانی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌توانند منافع سرمایه‌گذاری خود را تصاحب کنند. در مورد سرمایه انسانی نیز - دست‌کم سرمایه انسانی از نوعی که در مدارس تولید می‌شود - فردی که وقت و منابع خود را سرمایه‌گذاری می‌کند منفعتی را به دست می‌آورد که افراد پیش‌بینی می‌کنند از آموزش کسب خواهند کرد؛ یعنی شغلی با دستمزد بیشتر، کار رضایت‌بخش‌تر یا دارای پایگاه بالاتر، یا حتی لذت درک بهتر دنیای پیرامون؛ اما سرمایه اجتماعی در بیشتر شکل‌هایش این‌گونه نیست. مثلاً، انواع ساختارهای اجتماعی که هنجارهای اجتماعی و ضمانت‌های اجرایی برای تحمیل آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد در درجه اول به افرادی سود نمی‌رساند که تلاش‌های آن‌ها برای به وجود آوردن هنجارها و ضمانت‌های اجرایی لازم است. بلکه به همه افرادی سود می‌رساند که جزء آن ساختار معین هستند. جنبه منفعت عمومی بیشتر سرمایه اجتماعی به این معناست که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکل‌های دیگر سرمایه است. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و می‌تواند بر توانایی کنش آن‌ها و کیفیت مشهود زندگی‌شان بسیار تأثیر گذارد (کلمن، ۲۰۰۰).

نکته قابل توجه این است که سرمایه اجتماعی هم منفعت عمومی دارد و هم منفعت خصوصی.

نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

به‌طور کلی درباره نقش شایسته دولت در فرآیند توسعه اقتصادی دو دیدگاه عمده وجود دارد، دیدگاه نخست از نظریه لیبرال دموکرات و اقتصاد نوکلاسیک ریشه می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه دولت باید مداخلات خود را در حوزه اقتصادی به حداقل ممکن محدود کرده و تصمیم‌گیری‌های عمده را به بخش خصوصی واگذارد. الگوی لیبرال، مداخله زیاد دولت در

اقتصاد را موجب پدید آمدن رفتار سودجویانه در حوزه عمومی و خصوصی اسراف، فساد و عدم کار آیی می‌داند. این الگو دخالت گسترده دولت را با سطح بالای رشد اقتصادی و گذار به توسعه پایدار ناسازگار می‌داند. دیدگاه دوم را می‌توان الگوی نظری رادیکال نامید. بر اساس این الگو، دولت باید از طریق ملی کردن و برنامه‌ریزی اقتصاد، توسعه اقتصادی را هدایت و راهبری کند و دست کم باید کنترل صنایع پایه، زیرساخت‌ها و بخش‌های مالی را در دست داشته باشد. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی مانع توسعه فناوری می‌گردد، سرمایه‌گذاری بلندمدت را فدای نفع کوتاه‌مدت می‌کند و به شدت رفتار سودجویانه دارد.

امروز در سراسر جهان دولت‌ها در کانون توجه قرار گرفته‌اند. توسعه‌های دور از دسترس که امروزه تحقق یافته‌اند ما را بر آن می‌دارد تا پرسش‌های اصولی خود را درباره دولت تغییر دهیم. نقش دولت چگونه می‌تواند باشد؟ چه می‌تواند انجام دهد؟ از انجام چه کاری باید پرهیز کند؟ و بهترین راه انجام آن چیست؟ تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیت‌های عملکرد دولت را به‌ویژه در ارتقای توسعه به‌روشنی نشان داده است. عامل تعیین‌کننده توسعه، به‌رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به‌سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است.

۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می‌کردند اما رفته‌رفته تمایل خود را این‌گونه بیان کردند که توسعه باید دولت‌مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز تجربه توسعه پیام متفاوتی را به ما می‌دهد: دولت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، باین حال نه به‌عنوان فراهم‌کننده مستقیم رشد بلکه به‌عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل‌کننده در روند توسعه (بانک جهانی، ۱۳۷۸، ص ۲). مهم‌ترین اقداماتی نیز که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارت‌اند از:

تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی؛ تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (فوکویاما ۱۹۹۹ به نقل از الوانی و شیروانی تدبیر)

کارکردهای سرمایه اجتماعی

پاتنام می‌گوید که سرمایه اجتماعی بی‌ضرر است و تنها مقداری هزینه دارد، فوکویاما سرمایه اجتماعی را خیر عمومی هم برای اقتصاد و هم برای کل جامعه می‌داند و تنها بعدها از اثرات منفی آن یاد می‌کند. پاتنام نه تنها از اثرات منفی سرمایه اجتماعی بلکه از اثرات منفی سرمایه فیزیکی و همچنین سرمایه انسانی یاد می‌کند و به ترتیب اسلحه و شکنجه را مثال می‌زند که البته احتمال اثرات منفی تولیدشده توسط سرمایه اجتماعی را بیش از سرمایه فیزیکی و انسانی برآورد می‌کند. اعتماد نقش

مهمی را در مفهوم فوکویاما از سرمایه اجتماعی بازی می‌کند و او نتایج منفی سرمایه اجتماعی را با استفاده از ایده «شعاع اعتماد» تشریح می‌نماید: هرچه «شعاع محور اعتماد» محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می‌شود. بورديو و کلمن نیز درباره وجوه منفی سرمایه اجتماعی مطلع بوده‌اند اما در کل همه آن‌ها به اندازه کافی به این وجوه منفی نپرداخته‌اند.

کارکردهای مثبت سرمایه اجتماعی: تسهیل کنش متقابل، کاهش هزینه مبادلات، افزایش عملکرد دستگاه‌ها و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی مانند فساد، فحشاء، رشوه‌خواری از نتایج و کارکردهای مثبت وجود سرمایه اجتماعی است و برعکس در صورت کاهش این سرمایه رشد این موارد منفی خواهد بود.

وجوه منفی سرمایه اجتماعی از دو جنبه بررسی می‌گردد؛ یکی تأثیر سرمایه اجتماعی در تقویت نابرابری زیرا فواید سرمایه اجتماعی به شکل نابرابر توزیع شده است و افراد دارای اتصالات بیشتر از مزایای آن بیشتر بهره می‌گیرند و دیگری نقش سرمایه اجتماعی در حمایت از رفتارهای ضداجتماعی است مانند همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مخرب، حال چه این مخرب بودن ویژگی و هدف آگاهانه آن‌ها باشد و چه محصول جانبی و ناخواسته آن‌ها.

در میان متفکرین، کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی: تثبیت نابرابری‌های اجتماعی، از دست دادن خلاقیت و آزادی افراد در پی حمایت گروهی و تقویت همبستگی، تشویق و ترغیب نژادپرستی در پی تأکید بیش‌ازحد بر گروه و شبکه اجتماعی خاص، اثر سوء قدرت شبکه‌های اجتماعی به جهت ارضاء نیازهای احساسی و کم شدن وابستگی زوج‌ها در خانواده و سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری در اختیار نخبگان جامعه است تا به وسیله آن بر دامنه امتیازات خود بیفزایند (صالحی، ۱۳۸۸).

وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

توکلی و تاج‌بخش بارد این مدعا که «سرمایه اجتماعی در ایران، به‌ویژه در استان‌های محروم، نیاز به تقویت دارد و توجه به برخی از شاخص‌های آموزشی می‌تواند به تقویت آن کمک شایان توجهی کند». بیان می‌کنند البته نکات فوق به‌غیراز ذهنیت درونی محققان چیزی نمی‌تواند باشد، زیرا در مکان‌هایی که شبکه اجتماعی قوی‌تری وجود دارد و مردم نیز دستخوش تغییرات زندگی تجاری و صنعتی نشده‌اند و از یک بافت روستایی برخوردارند، سرمایه اجتماعی قوی‌تر است و این برخلاف رأی و نظر قبلی هست (توکلی و تاج‌بخش، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش‌های دکتر موسایی - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نیز این نظر را تأیید می‌کند در ادامه خلاصه نتایج این پژوهش که در دانشگاه تهران انجام شده است می‌آید:

در این پژوهش سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه در ۲۰ استان کشور در سال ۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج قابل توجه است، بین رتبه سرمایه اجتماعی و رتبه توسعه هر استان همبستگی وجود ندارد و این برخلاف یافته‌های پیشین است که غالباً عنوان می‌گردد که هر جایی که سرمایه اجتماعی بوده، توسعه اقتصادی - اجتماعی هم اتفاق افتاده است. سرمایه اجتماعی علی‌رغم اینکه زود از بین می‌رود، به تدریج شکل می‌گیرد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است ولی در کشورهای توسعه‌یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی در جایی که توسعه یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد (موسایی و دیگران، ۱۳۹۶).

دکتر موسایی معتقد است گسترش شبکه‌های غیررسمی مردم‌نهاد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، اما در ایران این شبکه‌ها هم دولتی هستند و تا زمانی فعالیت می‌کنند که از جانب دولت کمک‌هایی دریافت می‌کنند.

در ایران تمایل به مشارکت در اداره امور کشور بسیار پایین است به‌ویژه در مسائل مالی و این به علت عدم پرداختن به موضوع تغییر سرمایه درون‌گروهی به سرمایه برون‌گروهی است. اصولاً این نیاز به دلیل وجود پول نفت احساس نشده و این روند به مشارکت‌ها مدنی مردم‌نهاد نیز گسترش یافته تا آنجا که آن‌ها نیز برای فعالیت به کمک‌های دولتی وابسته‌اند. نکته دیگر اینکه در متون درسی ما سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتر تقویت می‌شود. ایشان تأکید می‌نمایند که در جوامعی که سیر تکاملی از سنت به مدرنیته داشته‌اند، سرمایه اجتماعی به معنای قدیمش از بین رفته و سرمایه‌ای که در مدت طولانی ایجاد گردیده، به سرعت از دست رفته است. در ایران هم این اتفاق افتاده و چیز جدیدی به نام سرمایه مدرن جایگزین آن نشده است (همان منبع).

نمودها و مصادیق سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای قابل تبیین و مشاهده است. انسان‌ها در مسائلی نظیر سیل و زلزله و سقوط هواپیما و جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران و ... همگی یک حس مشترک دارند که نمود سرمایه اجتماعی است؛ اما در عین حال سرمایه اجتماعی، عنصری ثابت و خنثی نیست. نظام و سیستم اجتماعی با هر تحرکی، ممکن است دچار نقص و انحراف در اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی شود و سرمایه اجتماعی با کاهش مواجه شود و این مسئله مهم به تدریج مهاجرت، افسردگی، اعتیاد، نارضایتی عمومی و ... را در پی خواهد داشت (استون، ۲۰۰۲).

دلایل عدم رشد سرمایه اجتماعی با تکیه بر مؤلفه اعتماد

۱- وجود سطح بالایی از سرمایه اجتماعی پیونددهنده «درون‌گروهی» و «توزل سرمایه اجتماعی متصل‌کننده» برون‌گروهی شاید بتواند تبیین‌کننده میزان پایین اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه باشد به‌طوری که در پیمایش‌ها، پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی هر چه از خانواده و گروه‌هایی مانند اقوام، دوستان و همسایگان دورتر شویم حلقه اعتماد تنگ‌تر می‌شود.

همچنین هر جا گروه‌های شغلی در پی منافع شخصی خود بوده و وظایف شغلی در چارچوب قوانین و اصول اخلاقی انجام نگیرد از اعتماد کمتری برخوردار بوده‌اند.

۲- همچنین از دیگر دلایل عمده عدم رشد اعتماد اجتماعی در دوره معاصر این بوده است که محور برنامه‌های کلان کشورها را بر ابعاد سخت‌افزاری توسعه متمرکز شده‌است.

۳- نابرابری‌ها

فرایند توسعه در همه ابعاد آن خصوصاً در بعد اجتماعی به معنایی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شده، در جهت مشارکت آحاد مردم در امور جامعه، پذیرش حقوق آنان و ... مطرح می‌شوند. بدین گونه توسعه اجتماعی در جهت رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز توانائی‌های بالقوه انسان‌ها گام برمی‌دارد.

(ناها پیت وقوشال، ۲۰۰۲).

با مراجعه به منابع آماری مرکز آمار ایران و بانک مرکزی می‌توان گفت که در اغلب موارد استان‌هایی که از توزیع مناسب امکانات و برخورداری بالاتر در شاخص‌های اقتصادی بهره‌مند هستند، در زمینه شاخص‌های اجتماعی مانند نرخ باسوادی و نرخ بیکاری نیز وضعیت مناسب‌تری دارند. استان‌های با درجه توسعه بالاتر در شاخص‌هایی که بیانگر پیامدهای نابرابری فضائی است، برخورداری بیشتری دارند؛ برای نمونه استان‌هایی مانند اصفهان، یزد و سمنان که توسعه یافته‌ترند، نرخ بیکاری پائین تر نرخ باسوادی بالاتری را دارا می‌باشند. پیامد برخی از نابرابری‌های اجتماعی و فضایی در استان‌ها عبارت است از مهاجرت‌های گسترده و بازنگشتن دانش‌آموختگان به زادگاه‌های محروم خود، همچنین افرادی که از مناطق محروم به استان‌های برخوردار مهاجرت کرده‌اند، از سطح تحصیلات و مهارت بالایی برخوردار بوده‌اند که اینجا می‌توان این فرض را مطرح نمود که این نیروهای کوچیده، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین عدم توجه به سرمایه اجتماعی در برخی مناطق و حتی در سطوح ملی، مانع از ایجاد جو اعتماد دوجانبه گردیده و منجر به اتلاف نیروی انسانی و انرژی اجتماعی شده که در این رابطه می‌توان برای نمونه به عدم پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی اشاره نمود. در سایه نابرابری‌های اجتماعی بر اثر توزیع نابرابر منابع نمی‌توان مسیر توسعه پایدار و توسعه پایدار اجتماعی را طی نمود.

راهکار ایجاد، حفظ و ارتقا سرمایه اجتماعی در ایران

جامعه‌شناسان سرمایه اجتماعی را به دو نوع تقسیم کرده و جهت ایجاد، حفظ و ارتقای آن راهکار ارائه می‌دهند:

۱- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (سرمایه اجتماعی قدیم)

۲- سرمایه اجتماعی برون گروهی (سرمایه اجتماعی جدید)

ازجمله عناصر مهم سرمایه اجتماعی اعتماد و مشارکت است؛ که در دارای ابعاد مختلف است

۱- اعتماد مردم به یکدیگر

۲- اعتماد مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه

۳- اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر

۴- اعتماد حکومت و این نهادها به مردم

ارزش‌های چون درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت ارزش‌های اعتمادآفرین هستند و وجود آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی بستر ایجاد سرمایه اجتماعی است لذا به فعلیت درآوردن این ارزش‌ها که در فرهنگ مردم ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد برای دستیابی به اعتماد از ضروریات است.

آزادی فعالیت‌های مدنی در قالب شکل‌گیری نهادهای مدنی فعال و مستقل از دولت و حجیم نبودن دولت نیز مقوم و محرک مشارکت عمومی است. چنانچه دولت در قالب سازمان‌های خود به این مهم نپردازد تصدی‌گری دولت به‌هیچ‌وجه کاهش نخواهد یافت عملکرد سازمان‌های دولتی از راه‌های مختلف می‌توانند به ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی یاری رسانند. امروزه سازمان‌های دولتی باید به فعالیت‌هایی دست بزنند که موردقبول جامعه و منطق باارزش‌های آن باشد. آن دسته از دستگاه‌های دولتی که نتوانند خود را با این مهم تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود؛ به عبارت دیگر، اگر سازمان‌ها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ کرده و به نحوی عمل کنند که باعث بقا، توسعه و موفقیتشان شود، لازم است در عملکرد خود تجدیدنظر کرده و تعهدات خود را نسبت به شهروندان (ارباب رجوع) به درستی ایفا کنند. بدیهی است اگر شهروندان از سازمان‌های دولتی سلب اعتماد کنند در یک فضای بی‌اعتمادی (فقیر شدن جامعه از جهت سرمایه اجتماعی) هم سازمان‌ها و هم شهروندان متضرر شده و خسارت خواهند دید. بنگاه‌های دولتی وقتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود، در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می‌کنند؛ بنابراین، نخستین اصل برنامه‌ریزی اجتماعی این است که آسیبی به سرمایه اجتماعی وارد نکنند؛ یعنی بنگاه‌های دولتی باید مصممانه آن اقدامات و فعالیت‌هایی را انجام دهند که از عهده آن‌ها برمی‌آیند. درعین حال، این سازمان‌ها باید وظایفی را به جامعه مدنی بسپارند که نهادهای کوچک‌تر و کمتر متمرکز می‌توانند اجرا کنند. سازمان‌های دولتی باید در جهت کنش‌های مثبت با اجرای مستمر و خوب با کارکردهایی آغاز کنند که دقیقاً متناسب با وظایف آن‌هاست، فقط در این صورت است که می‌توان به تولید سرمایه اجتماعی توسط سازمان‌های دولتی امیدوار بود (مورات، ۲۰۱۱).

برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که در ایران نیازمند سرمایه اجتماعی برون‌گروهی هستیم تا روابط بین افراد تقویت شود. به عقیده آن‌ها سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در ایران وجود دارد و مصادیق آن پیوندها خانوادگی، قومی، عشیره‌ای و هیئت‌های خودجوش مذهبی است. در مواقع اضطرار چون سیل و زلزله ایرانیان برای یاری به همنوعان خود نقش‌آفرینی می‌نمایند.

مشکل اینجاست که در شرایطی غیرازمواقع اضطراری و یا خاص سرمایه اجتماعی در جامعه کم‌رنگ شده و در بسیاری از موارد دیده نمی‌شود. در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی به صورتی کم‌رنگ به چشم می‌خورد. وجود سرمایه اجتماعی منوط به خواست عمومی است تا اجتماع و دولت نخواهد و همکاری لازم را انجام ندهند، نتیجه‌گیری از سرمایه‌گذاری در این زمینه غیرممکن است.

عبداللهی و موسوی، با توجه به پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی، غلبه گونه قدیم بر جدید و نقش منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی، تقویت سرمایه اجتماعی جدید به‌ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنشگران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح بینش‌ها و کنش‌های افراد را ضروری دانسته‌اند (صیدایی و دیگران، ۱۳۹۵).

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، لازم است برنامه‌های مختلفی از طرف دولت به‌منظور افزایش و ذخیره این سرمایه انجام گیرد. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از:

۱- تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی، صنفی، حرفه‌ای و تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی که از راه‌حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است افراد در قالب نهادهای اجتماعی دارای هویت مشترک گردیده و زمینه ایجاد همکاری‌های گروهی در آنان ایجاد می‌شود و نتیجه فعالیت‌های گروهی موفق، شبکه‌های اعتماد است.

۲- تقویت مؤلفه‌های فرهنگی نظیر احساس هویت جمعی و سازمانی مشترک، احساس تعلق به آینده‌ای مشترک و مدیران با ایجاد نظام‌های مشارکتی و توجه به سمبل‌های فرهنگی و ایفای مناسب نقش رهبری، می‌توانند در جهت غنی‌سازی فرهنگ سازمانی گام بردارند.

۳- تأمین امنیت شهروندان برای حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی.

۴- پرهیز دولت از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (منظور و یادی پور، راهبرد یاس، ش ۱۴۱).

باید بین سه عنصر متخاصم در جامعه دولت، اجتماع و بازار (جامعه مدنی) وحدت و تعادل و رابطه سالم ایجاد شود (توکلی و تاجبخش، ۱۳۹۲)؛ و می‌بایست کالاهای فرهنگی تولید کرد که سرمایه اجتماعی برون گروهی را تقویت کند.

نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات انجام گرفته در ایران در زمینه سرمایه اجتماعی بیانگر پراکندگی مفهومی و نظری این مطالعات است به طوری که به جرئت می‌توان گفت تاکنون انباشت کمی در این زمینه صورت گرفته و هریک از مطالعات تقریباً بدون توجه کافی به مطالعات پیشین در این زمینه راه جداگانه‌ای پیموده‌اند و چارچوب‌های نظری و مفهومی مختلفی را برای خود برگزیده‌اند و مفاهیم را به گونه‌ای متفاوت عملیاتی کرده‌اند. البته برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه توانسته‌اند با استناد به یک چارچوب نظری نسبتاً منسجم، معرف‌های دقیق‌تری را برای سنجش سرمایه اجتماعی در ایران ارائه کنند. مطالعات موسوی خامنه (۱۳۸۳) و ملاحسنی که به پیروی از استون (۲۰۰۱) مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان یک مفهوم چندبعدی مرکب از شبکه‌های روابط، اعتماد و همیاری موردسنجش قرار می‌دهند و یا پژوهش فیروزآبادی (۱۳۸۴) که بر اساس نظریات استون، پاکستون و پاتنام چهار مؤلفه آگاهی و توجه به امور عمومی، اعتماد، مشارکت رسمی و غیررسمی را به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است، از جمله این تحقیقات است؛ اما برخی از این پژوهش‌ها ابعاد سرمایه اجتماعی را چنان گسترده و باز در نظر گرفته که دلالت‌های مفهومی سرمایه اجتماعی ابعادی فراتر از تعاریف شناخته شده در نظریه‌های مختلف را دربر می‌گیرد (مبارکی ۱۳۸۳؛ خیرالله پور ۱۳۸۳؛ مرجایی ۱۳۸۳). در مقابل، پژوهش‌هایی قرار دارند که رویکردهایی تقلیل‌گرایان و محدود به سرمایه اجتماعی داشته‌اند و معرف‌های سرمایه اجتماعی را، به عنوان مثال، به اعتماد تقلیل داده‌اند (غفاری ۱۳۸۰ و میری ۱۳۸۵).

تئوری‌های رشد و توسعه نتوانستند تفاوت کشورها در رشد را بیان کنند ولی با کمک سرمایه اجتماعی که حلقه مفقوده این تئوری‌ها بود، این تفاوت‌ها به خوبی روشن شده است. انسجام، شبکه روابط، اعتماد و مشارکت، چارچوب‌هایی هستند که بایستی محتوای آن را با توجه به شرایط هر کشور که نیازمند توسعه است، تعریف و اجرایی نمود. وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخگو و کارآمد فراهم می‌سازند؛ اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای تابعی از موجودی فضیلت‌های اخلاقی آن جامعه است و با همه سطوح کلان (دولت و نهادهای حکومتی و حکومت‌های محلی، سازمان‌ها و نهادهای مدنی) و فردی (رفتار فردی) ارتباط دارد. با عنایت به اینکه میزان سرمایه اجتماعی در ایران در روابط سنتی هنوز بسیار قوی بوده و سرمایه اجتماعی قدیم (نوع درون گروهی) به نسبت قابل توجهی در کشور ما وجود دارد، تلاش‌های برنامه ریزان می‌بایست با بهره‌گیری از نقاط قوت این

وجه معطوف به تشکیل سرمایه اجتماعی جدید (نوع برون گروهی) باشد. باید از ارزش‌های موجود استفاده کرد نه اینکه جلوی آن ایستاد. این مهم در سایه رشد متوازن، شکل‌گیری جامعه مدنی و کاهش تصدی‌گری دولت خواهد بود.

منابع و مآخذ

- [۱] ازکیا مصطفی، فیروزآبادی احمد (۱۳۹۲). **سرمایه اجتماعی و نقش آن در شکل‌های تولیدی**. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ۴، صص ۷۲-۴۹.
- [۲] توسلی غلام عباس (۱۳۹۲). **نظریه‌های جامعه‌شناختی**. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۴۷.
- [۳] جاهد، حسینی و همکاران (۱۳۸۹). «**روش‌های آموزشی مؤثر در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها**»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیران آموزشی، تهران: ۱.
- [۴] حیدری تفرشی غلامحسین، یوسفی سعیدآبادی رضا؛ خدیو اسدالله (۱۳۸۱). **نگرش نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز**. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه. چاپ اول. ص ۱۹۳.
- [۵] شجاعی‌باغینی، محمد مهدی (۱۳۸۷). **مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، چاپ دوم، ص ۴۲۸.
- [۶] صالحی ابراهیم و مهر عزیزاده یدالله (۱۳۹۴)، «**تغییرات بازار کار، توسعه، آموزش عالی و سرمایه اجتماعی**»، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، ص ۲۶.
- [۷] علیجانی، بهلول (۱۳۹۱). **اقلیم‌شناسی سینوپتیک**. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. ص ۸۰.
- [۷] فیضی طاهره و فقیهی ابوالحسن (۱۳۹۵). «**طراحی و تبیین مدل سرمایه اجتماعی دانشگاه پیام نور**». فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱: ۴۸-۳۱.
- [۸] نصر اصفهانی و علی و همکاران (۱۳۹۰). «**بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان**». جامع‌شناسی کاربردی، شماره ۱: ۱۳۲-۱۰۹.

[۹] نواب بخش، مهرداد و فدوی، جمیله (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری». پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۱: ۴۵-۲۶.

[۱۰] هامانه، راضیه و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۲: ۱۵۶-۱۳۳.

[11]Murat, G. (2007). **“The Effect of communication on Knowledge sharing in organization”**. Journal of knowledge management practice, Vol. 7, No. 4, December, Available at: URL: <http://www.tlinc.com/article1133.htm>. pp: 13- 16.

[12]Nahapiet, J. Ghoshal, S. (1998). **“Social capital, intellectual capital and the organizational advantage”**. Academy of Management Review, 23(2). P: 242-266.

[13]Narayan, D. (1999). **“Bonds and Bridges: social capital and poverty”**. Washington, D.C: World Bank, poverty Group. Available at: URL: <http://www.WorldBank.Org/poverty/spatial/library>. P: 7.

[14]Sadeghi, M. Bahamiriyani, M. (2015). **“Study the Relationship between Social Capital of Organization and Empowering Staff of Universities: A Case Study of Applied Science Centers of Kermanshah”**. TI Journals International Journal of Economy, Management and Social Sciences, Vol (4), No 2. P: 139-146.

[15]Stone, W. (2002). **“Measuring social capital: Toward a standard approach”**. Australian Institute of family studies Wollongong, available at: http://www.cjpe.ca/distribution/20021030_stone_wendy_hughes_jody.pdf. pp. 139-146.

[16]Tötterman, A.K. Widén-Wulff, G. (2007). **“What a social capital perspective can bring to the understanding of information sharing in a university context”**. Information Research, 12(4), paper colis19, <http://informationr.net/ir/12-4/colis/colis19.html>, pp 52-53.

[17]Widemann, K. Hennigs, D. (2006). **“Corporate Social capital and corporate reputation”**, Available at <http://reputation.institutione.com/members/nyco6/Wdemannhening.pdf>.com/members/nyco6/wiedmann-hennings.Pdf. p:5-8.

[18]World Bank. (2008). **“Thailand social capital Evaluation: A mixed Methods assessment of the social investment”**. Fund's impact on village social capital, available at: <http://sitere.sources.WorldBank.Arg/InThailand>. P: 30- 32

A comprehensive overview of social capital

Maryam TALEZARI ¹

Parviz Sa'idi ²

Date of Receipt: 2019/04/13 Date of Issue: 2019/06/01

Abstract

The existence of social capital is the key to the establishment of civil society and the life of citizenship, and the lack of social capital is a major obstacle to the establishment and establishment of it. The societies of this kind of capital provide a suitable platform for the formation of a capable, accountable, and efficient civil society, but, on the contrary, the impoverishment of a society from social capital leads to the ineffectiveness of many policies and plans in the area of planning. Social capital is predominantly based on cultural and social factors. The various aspects of the links, cooperation, mutual trust, and communication among the members of a network will accomplish the goals of the members. In addition, social capital is a success for development programs. The existence of social capital is a suitable platform for the productivity of human capital, economic and physical, and, conversely, the lack of social capital, eliminates the effectiveness of other funds in achieving development, and without social capital, by going the ways of cultural and economic development, ruggedness and difficulty Gets Adoption of this concept as a type of capital at the level of macro-level development of countries can create a new understanding of socio-economic systems and help governments to better lead society towards development. In view of the importance of the subject in this article, the context of the emergence and concept of "social capital" and its related theories, its dimensions and components, as well as the aspect of the general interest of social capital, the role of the state in creating social capital, its positive and negative functions, the state of capital Social and the reasons for its lack of growth.

Keyword

social participation, social capital, cultural capital, social cohesion, human capital.

1. Ph.D Student, Accounting Department, Ali Abad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran Mt.talezari@yahoo.com))
2. Associate Professor, Department of Accounting, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran (Corresponding Author: parvizsaedi@yahoo.com)

A comprehensive overview of social capital

1-Maryam TALEZARI 2- Parviz Sa'idi

Abstract

Key words:

1. Ph.D Student, Accounting Department, Ali Abad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran Mt.talezari@yahoo.com))

2. Associate Professor, Department of Accounting, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran

Corresponding Author: parvizaeeedi@yahoo.com